



محسن کمالیان

سرشناسه	:	کمالیان، محسن، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	مشاهیر خاندان صدر / محسن کمالیان.
مشخصات نشر	:	قم: راز نی، ۱۳۹۶ -
مشخصات ظاهری	:	ج.: مصور (رنگی). وضعیت فهرست نویسی : فیا
شابک	:	ج. ۱۸۰: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۷۹۱-۸؛ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۷۹۱-۳
یادداشت	:	کتابنامه. یادداشت : نمایه.
مندرجات	:	ج. ۲. نسب‌نامه‌ی خاندان مجتهد.
	:	ج. ۱۸. آسمان پرستاره: چکیده‌ی شرح‌حال مشاهیر خاندان صدر
موضوع	:	صدر (خاندان) -- سرگذشت‌نامه
موضوع	:	Sadr (Family) -- Biography
رده‌بندی کتبی	:	۱۳۹۶ ک ۴۸ ص ۱۹ / ۴۱۹
رده‌بندی دهی	:	۹۲۹/۲۰۹۵۵ شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۰۶۸۳۰

مشاهیر خاندان صدر / ۲
«نسب‌نامه‌ی خاندان آقا مجتهد»

«به مناسبت یک‌صدمین سال درگذشت ابوالفضل العظمی سید اسماعیل صدر»

محسن کمالیان

ناشر: راز نی

طراح جلد و گرافیک: حسن مهری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: زیتون

www.razeney.ir / info@razeney.ir / https://t.me/razeney

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

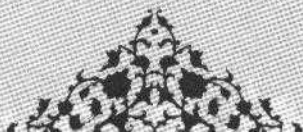
تعداد: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۷۹۱-۳-۲

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشر رازنی



تقریظ آیت‌الله سید مرتضی مستجاب‌الدعواتی

اَللّٰهُمَّ رَاجِعْ بَاغِ دِلِّ لَالَهٗ رَا نَكِرْد

تتوان به اساتید نوشت خط سرنوشت را

الهی ما را دلی ده به کرانگی دریای رحمت که در افزونی طاعتت بکوشیم؛ و دیده‌ای به وسعت تمامی هستی، که در جستجوی حقیقت رجوات باشیم؛ و زبانی که لحظه لحظه‌های زندگی مان را به تسبیح و عبادت تو باشیم.

الهی ما را حیاتی ده در کمال سلامت، و رزقی به نهایت حرمت و کرامت، و فرزندی که شکرانه‌اش را مادام بر قبله‌گاه عشقت به سجده بنشینیم.

الهی به بزرگواری و بخشایش و به قدرت و جبروت که نامتناها است، در این آسمان سال ۹۳ به دوستان ما که حقاً قابل احترام ویژه هستند، زندگی‌شان را قرین سعادت و نیکبختی و سلامت فرما و توفیق بندگی خالصانه‌ات را به ما ارزانی دار.

باری؛ در ماجراهای زندگی هر موقع به دوستی مشترک برخورد می‌کردم، به عنوان سندی، از محبت‌ها و گفتار و کردار و فعالیت‌های روزانه حضرت‌عالی بازگو کرده و دچار احساسات لطیفی می‌شدم و با خود می‌گفتم شخصی با چه محبت می‌بایست کسانی را دوست

داشته باشد تا بتواند با همه‌ی وجود از آن‌ها سخن بگوید و ماه‌ها و سال‌ها عمر خود و خانواده‌اش را صرف معرفی آنها کند؟

تمدن امروز دنیا با پیشرفت‌های ژرف علمی و اجتماعی خود تمام مظاهر حیات بشری را دگرگون کرده و آن را چنان در مادیت فرو برده و از معنویات به دور ساخته که اگر شخصی از کمال مطلوب خود که همانا بهره‌ی مادی است محروم شود و دنیای خاکی از وی روی برگرداند، هیچ‌گونه نقطه‌ی اتکاء دیگری سراغ ندارد؛ ناچار یأس و حرمان او را به وادی نیستی سوق می‌دهد. اما چه خوشبخت‌اند انسان‌هایی که تعادل روحی و آرامش اخلاقی دارند، از ضرورت‌های مادی فارغ بوده و به احتیاجات معنوی خود توجه می‌نمایند. لذا خود را خوشبخت احساس می‌کنند؛ چون به قول حکیمی از یونان، خوشی و ناخوشی به این است که به چه چیز دل بسته است. اگر وابستگی‌ها به چیزهای ناپایدار باشد، چون از دستش گرفته می‌شود یا دیگری را از آن برخوردار می‌بیند، اندوه و رشک و کین به او دست می‌دهد. لذا فسادها و دشمنی‌ها به اشخاص بدین جهت روی می‌آورد و زندگی را تباه می‌کند. پس ما می‌توانیم با این دل خود سرگرم کنیم و رنگ مادی و معنوی خود را به صورت زیبایی محض و به صورت هنر محض در آورده و به اضافی راه‌ها و نازها و هیجان‌ها و شورها و رویاهایش، با آرامش بگذرانیم.

می‌دانید که روح و حیات، جز در اعماق قلب وجود ندارد. وقتی همه چیز از میان می‌رود، که ما فقط به ظاهر زندگی سرگرم باشیم. اگر اسرار پنهان سر ما پوشیده است؛ اگر نمی‌دانیم این ستارگان به چه چیز آویخته‌اند؟ و این دنیای محدود و پست بی‌پایان، برای ما که محدودیم، چگونه درست در می‌آید؟ و اطاعت ذرات این جهان در سطح نظام آن دستگاه، اجباری است یا اختیاری؟ دانسته [است] یا ندانسته؟ مقصود چیست؟ انتهای پھر کجا است؟ این همه تجزیه و ترکیب و تغییر شکل برای چه منظوری است؟ لااقل می‌توانیم به رموز قلب خود پی ببریم، با دل خود خلوت کنیم و از زیبایی‌های طبیعت لذت ببریم، با دوست خود خلوت کنیم، گریه کنیم و با او رنج ببریم و یا از خوشی پای کوبی کنیم.

عشق در زندگی همیشه باقی است. هیچ ذره‌ای از روح ما هیچ موقع خالی از عشق نیست. این تنها جذبه‌ی عرفانی محبت است که قوی و ضعیف می‌شود و این طبیعت ما است که به هر کجا جذبه قوی‌تر شد، به طرف آن می‌رود. هیچ کس از قانون طبیعت نمی‌تواند

سریچی کند. با طبیعت نمی توان بازی کرد، چون قانون دستور دهنده است و او گناهی ندارد. علیهذا با این شرح مختصر، من گم شدهی خود را پیدا کردم که روزها و شبها مرا به این انگیزه و امید داشت که چرا آقای دکتر کمالیان عمر خود را مصروف خاندان صدر کرده و در آن وادی ذوب شده است. عشق سرگردان به هر طرف نگاه کند، ناچاریم به طرف آن متمایل شویم.

ز ناله ای که کند خامه می توان دانست

که کوه درد به دل صاحب سخن دارد

دستی ز آستین به در آمد که پاره کرد

چندین هزار خرقه ی پرهیزکار را

جناب آقای دکتر کمالیان زید مجده؛ نه واژه ها ترجمان دل تواند شد و نه آنچه را می دانیم، به کتابت راه آمد. ای همه ی خوبی ها؛ تو یادگار گذشتگان پاک سیرت هستی. تو آیینی تمام نمای ارواح پاک و ترجمان زیبایی ها و پاکی ها می باشی. تو دریایی از محبت و عواطف انسانی هستی که هر چه تار و پود کند و به فروش آید، غیر از مهر ویژه و عنایت انسانی چیزی به بار نخواهد آورد. به قول مرحوم سید علی پندر بزرگ آقا مجتهد که گفته:

به استشاری رندان گسسته ام تسبیح

کجاست خوشه تا که از دستم آید؟

در خاتمه: تو که جایگاهت را قدسیان سزاوارست؛ ای که مشعل داران گذشته را به یاد می آوری و تو که مظهر و مظهر ارزش عزت در خلوت دلها هستی به رسم یادبود، که بود یادتان را نابودی نیست؛ و نه به رسم تشکر از الطاف بی دریغتان، که از آفریدگان خداوند را گنجایش او است؛ که به رسم اخلاق و وقوف کرامت، محبت هایتان را به رسم کوچکترین فرد خاندان صدر تشکر کرده از خداوند بزرگ سلامت و عزت حضرت تعالی را خواهانم.

از گم شده ام بگویم؛ ای کاش از این همه عجز سخن می رستم و چندان به نوحه و زاری می نشستم که واژه واژه ای این وجیزه به پیشگاه مکرمت زار زار می گریست تا بدانی چه می کشم. این تنها، و این تن رجور و این دل زخم خورده، چون مردابی مرده ام و از هستی ساقط، و زیر لب زمزمه می کنم:

هرگز دمی زیاد تو غافل نبوده‌ایم

یا گفته‌ایم نام تو را یا شنیده‌ایم

کتاب ارسالی را دقیقاً مطالعه کردم. دست مرزاد؛ هیچ‌کس را یارای چنین صبر و
بردباری سراغ ندارم که در زوایای کوچه‌ها و شهرها کنکاش کند و چنین مجموعه‌ای را عرضه
بدارد. آفرین به آن همت و پشت‌کار.

خמוש باش به روشن‌دلان چو بنشینی

که شهر آینه جای نفس کشیدن نیست

سلامم را به خانواده‌ی محترم می‌رسانم.

سید مرتضی مستجاب‌الدعواتی

۱۹۳/۹/۲۶

۱. آیت‌الله مستجابی بر روی تابلوی سیمه، تقریظ بالا چنین مرقوم کردند:

«از پراکنده‌گری‌های خود خجسته‌ام. قلم را دلبسته‌ام و این دل همیشه دیوانه بوده است.

مرتضی.

۱۹۳/۹/۲۷

تقریظ آیت الله سید احمد مدرس زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

با حمد و ستایش پروردگار متعال و ورود بر پیامبر اکرم و خاندان پاک و معصوم او.
سخن خود را با پیامی از قرآن و فرازی از کتاب نهج البلاغه آغاز می‌کنم.
قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ». یعنی: همانا در سرگذشت
پیشینیان، درسی برای خردمندان است.

حضرت علی (ع) در نامه‌ی خود به فرزندش می‌فرماید: «عَرِّضْ عَلَيْهِ إِخْبَارَ الْمَاضِينَ وَ
ذِكْرَهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَيَسْرِ فِي دِيَارِهِمْ وَآثَارِهِمْ كَخُرْفِ مَا فَتَلَوْا». یعنی:
فرزندم؛ اخبار گذشتگان را بر دل و جان خود عرضه کن و سرگذشت آنان را به یاد آور و در آثار و
اوان آنان سیر کن و در اعمال آنان مطالعه نما.

و چه زیاست این گفته که: انسان دو معلم دارد: آموزگار و روزگار؛ و آنچه را که معلم به
او نیاموزد، از روزگار می‌آموزد.

آری؛ تاریخ آئینه‌ی تمام‌نمای گذشتگان و عبرتی برای آیندگان است که انسان را به
دوران‌های دور برده و با حوادث تلخ و شیرین ایشان آشنا می‌کند. و بالخصوص، آشنایی با

بزرگان و علما و دانشمندان و فرهیختگان به روح و روان انسان آرامش داده و آئینه‌ی دل را صفا می‌بخشد. شرح زندگانی آنان و آشنایی با سیر و سلوک و رفتار و نوشته‌ها و کتاب‌های ایشان، بسیار جذاب و دوست‌داشتنی است و به ما درس زندگی و حیات می‌دهد.

در این جا، جا دارد از شخصیت فرهیخته و دانشمند، جناب آقای کمالیان، کمال تقدیر و تشکر شود که با تلاش و کوشش مداوم و احیائاً رنج و زحمت زیاد، شرح حالات دو خاندان بزرگ صدر و آقامجتهد را جمع‌آوری، تدوین و تشریح نموده و این دو شجره‌ی طیبه و پاک را به ما شناسانده است. این جانب سید احمد مدرس زاده، که عضو کوچکی از این شجره‌ی بزرگ بوده و از خاندان و نوادگان مرحوم سید حسن مدرس اول و ثانی می‌باشم، برای ایشان توفیقات الهی و عمری با عزت و سرفرازی را برای این بزرگوار از درگاه ایزد متان مسألت دارم.

سید احمد مدرس زاده

اسفند ۱۳۹۳، تهران.

www.ketab.ir

تقریظ دکتر سید محمدرضا بهشتی

به نام خدا

جلد دوم از مجموعه‌ی «مشاهیر خاندان صدر» ذیل عنوان «نسب‌نامه‌ی خاندان آقامجتهد» که به کوشش بلیغ فاضل ارجمند جناب آقای دکتر محسن کمالیان در آستانه‌ی انتشار است، نمونه‌ای از يك همت بلند در عرصه‌ی تحقیقات تاریخی، آن هم در سنت تبارنگاری است که در نوع خود کمیاب و یادگاری ماندگار برای پژوهشگران آینده خواهد بود. این اثر که عمدتاً برپایه‌ی گردآوری منابع و به ویژه، اظهارات شفاهی کسانی استوار شده که منسوبان نزدیک یا دورتر این خاندان‌اند، در برهه‌ای از زمان تهیه شده که از این سو هنوز امکان دسترسی به آنان، هرچند گاه در نسل‌های متأخرتر مقدور بوده و از سوی دیگر، خاطره‌ی زنده‌ی بسیاری از افرادی که با نسل یا نسل‌های گذشته‌ی این خاندان تماسی حضوری داشته‌اند، از هم گسسته نشده است. از این رو، خود این اثر به منزله‌ی سندی در خور توجه است و مجال می‌دهد تا به عنوان مرجع رویدادهای گسسته بخشی از تاریخ شفاهی کشورمان به هم پیوند بخورد. پیگیری‌های مجدانه و صمیمانه‌ی محقق توانسته است در افراد بازمانده‌ی این خاندان انگیزه‌ی مشارکت در این کار را برانگیزد که بسیار شایسته‌ی تقدیر است. از خداوند منان توفیقات

روزافزون ایشان و نیز همه‌ی دست‌اندرکاران تدوین و نشر این کتاب را خواستارم.

سید محمدرضا بهشتی

www.ketab.ir

فهرست مندرجات

۱۷	فهرست مندرجات
۱۹	فهرست نمودارها
۲۳	فهرست یادداشت‌ها
۲۹	۱- مقدمات
۳۱	مقدمه
۶۱	نقد و بررسی منابع و مآخذ
۶۹	سلسله نسب خاندان صدر
۷۵	۲- نسب‌نامه‌ها
۷۹	اجداد و فرزندان آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی
۸۵	خاندان آیت‌الله سید محمدعلی موسوی عاملی (آقا مجتهد)
۱۴۳	منابع و مراجع نسب‌نامه
۱۵۷	۳- یادداشت‌ها
۳۳۷	۴- راهنمای جست‌وجو
۳۳۹	راهنمای خاندان‌ها

۳۴۱		راهنمای یادداشت‌ها
۳۴۵		راهنمای اعقاب
۳۶۹		۵- پیوست‌ها
۳۷۱		برخی نامه‌ها و پیام‌ها
۳۷۹		شجره‌نامه‌های برخی خاندان‌های وابسته
۳۸۳		۶- تصاویر
۴۱۷		۷- منابع و مراجع
۴۱۹		منابع مکتوب
۴۲۵		منابع تاریخ شفاهی

مقدمه‌ی مؤلف

۱- نگاهی به خاندان صدر

آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی (۱۱۵۸ش/۱۱۹۳ق)^۱-
۱۲۲۶ش/۱۲۶۴ق)^۲ از اعظام فقهاء اصولی و رجال و از بزرگ‌ترین پیشوایان دینی عالم تشیع
در قرن سیزدهم هجری قمری بود.^۳ وی که اصالتاً لبنانی بود، در منطقه‌ی تاریخی و شیعه‌نشین
جبل عامل واقع در جنوب آن کشور به دنیا آمد؛^۴ در عراق در آن کردگی، نوجوانی، جوانی و
تحصیلات حوزوی خود را گذراند؛^۵ قریب چهار دهه‌ی تمام، در اصفهان زیست و حوزه‌ی
علمیه‌ی آن شهر را گرما بخشید؛^۶ سرانجام در نجف در گذشت^۷ و در حرم مطهر امام علی (ع)
روی در نقاب خاک کشید.^۸

جایگاه ممتاز دینی، علمی و حوزوی آقا سید صدرالدین موسوی عاملی موجب گردید
تا خاندان او، با اقتباس از نام ایشان، «صدر» و خود او، مؤسس و سرسلسله‌ی این خاندان
نامیده شود. بر همین اساس، اغلب فرزندان، نوادگان و اعقاب ذکور وی به «صدر»، «صدر
اصفهرانی»، «صدرعاملی»، «صدرزاده» و «صدرکاظمینی» شهرت یافتند. در تبیین اهمیت
خاندان صدر کافی است که توجه کنیم:

در روزگار ما، چهار پسر عمو از اعقاب و احفاد این خاندان، در بالاترین سطوح زعامت دینی، علمی، فکری، اجتماعی و سیاسی عالم تشیع، نقش آفرینی کردند: امام موسی صدر^۹ (متولد سال ۱۳۰۷ ش/۱۳۴۶ ق^{۱۰}) در لبنان، آیات عظام سید محمدباقر صدر^{۱۱} (متوفای سال ۱۳۵۹ ش/۱۴۰۰ ق^{۱۲}) در عراق، حاج آقا حسین خادمی^{۱۳} (متوفای سال ۱۳۶۳ ش/۱۴۰۵ ق^{۱۴}) در اصفهان و آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی^{۱۵} (متوفای سال ۱۳۶۰ ش/۱۴۰۱ ق) در تهران.

یک دوره قبل از روزگار ما نیز چهار پسر عمو و پسر عمه‌ی دیگر از احفاد و نوادگان این خاندان، هم‌نقش را در بالاترین سطوح ایفا کردند: آیات عظام سید صدرالدین صدر^{۱۶} (متوفای سال ۱۳۱۲ ش/۱۳۷۳ ق^{۱۷}) در قم، شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی مسجدشاهی^{۱۸} (متوفای سال ۱۳۲۱ ش/۱۳۶۱ ق^{۱۹}) در اصفهان، سید عبدالحسین شرف‌الدین^{۲۰} (متوفای سال ۱۳۳۶ ش/۱۳۷۷ ق^{۲۱}) در لبنان و آیت الله سید محمد صدر^{۲۲} (متوفای سال ۱۳۳۵ ش/۱۳۷۵ ق^{۲۳}) در عراق.

یک دوره پیش‌تر از آن نیز چهار پسر عمو یا پسر عمه‌ی دیگر از نوادگان و فرزندان این خاندان، چنین مسئولیتی را در بالاترین سطوح عهده‌دار شدند: آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر^{۲۴} (متوفای سال ۱۲۹۸ ش/۱۳۳۸ ق^{۲۵}) در عراق، آیات الله شیخ محمدتقی نجفی^{۲۶} معروف به «آقا نجفی» (متوفای سال ۱۲۹۳ ش/۱۳۳۲ ق^{۲۷}) و حاج آقا نورالله نجفی^{۲۸} (متوفای سال ۱۳۰۶ ش/۱۳۴۶ ق^{۲۹}) در اصفهان و سید جمال الدین واعظ اصفهانی^{۳۰} (متوفای سال ۱۲۸۷ ش/۱۳۲۶ ق^{۳۱}) طی نهضت مشروطیت در تهران.

مبالغه نیست اگر گفته شود، طی یک صد و پنجاه سال گذشته شیخ خاندان و بیتی در میان خاندان‌ها و بیوت اصیل، بزرگ و مهم شیعه ظهور نکرد که چون خاندان صدر، در بالاترین سطوح زعامت دینی، علمی، فکری، اجتماعی و سیاسی عالم تشیع، از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا مرزهای ایران و افغانستان، به طور پیوسته، تأثیرگذار و گاهی در شکل و قامتی بلامنازع، نقش آفرینی کرده باشد.

از مشاهیر تراز اول خاندان صدر که بگذریم، ده‌ها تن از مشاهیر تراز دوم این خاندان نیز بودند و هستند که طی صد و پنجاه سال گذشته، در حوزه‌های علمیه‌ی ایران، عراق یا در عالم عرفان، افتخار آفریدند و گرمابخشی کردند و آثار ذی‌قیمت و ماندگار فراوانی را به یادگار

گذاشتند. آیات الله آقا مجتهد^{۳۲}، سید ابوالحسن صدرعاملی^{۳۳}، سید هادی صدر^{۳۴}، سید عیسی صدر^{۳۵}، سید محمدجواد صدرعاملی^{۳۶}، میرزا محمد مهدی جویباره‌ای^{۳۷}، شیخ محمدحسن معزی دزفولی^{۳۸}، شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی^{۳۹}، سید صدرالدین صدرعاملی^{۴۰}، سید حسن صدر^{۴۱}، سید محمد مهدی صدر^{۴۲}، سید محمدجواد صدر^{۴۳}، سید حیدر صدر^{۴۴}، شیخ محمدباقر معزی دزفولی^{۴۵}، سید ابوالحسن صدر^{۴۶}، سید محمدصادق صدر^{۴۷}، سید اسماعیل صدر (ثانی)^{۴۸}، سید رضا صدر^{۴۹}، سید علاءالدین مدرس مطلق^{۵۰}، شیخ مجدالعلماء نجفی اصفهانی^{۵۱}، شهید سید محمد صدر^{۵۲}، سید محمدعلی روضاتی^{۵۳}، سید مرتضی مستجابی^{۵۴} و سید حسین صدر^{۵۵}، نمونه‌هایی از این مشاهیر تراز دوم هستند.

از کبریت روحانیت اگر خارج شویم، همچنان ده‌ها تن از مشاهیر ترازهای دوم و سوم خاندان صدر بوده و هستند که طی صد و پنجاه سال گذشته، در عرصه‌ی علم، فرهنگ، ادب، اجتماع و سیاست، آثار ماندگار بر جای گذاشتند یا خدماتی شایان به جامعه و مردم عرضه داشتند. فرهیختگانی چون علامه محمدباقر الفت، سید محمدعلی جمال‌زاده، میرزا محمدعلی بهجت‌العلماء، دکتر سید حسن اسحق، دکتر سید محمدعلی صدرعاملی، دکتر سید صادق طباطبایی، دکتر سید کاظم صدر، دکتر سید مهدی مدرس‌زاده، دکتر سید محمد صدر، دکتر محمدعلی اژه‌ای، محمد پیش‌گاهی‌فرد، دکتر سید علی صدرعاملی، دکتر احمد فیروزان، دکتر منصور شیخ‌بهایی، مهدی فیروزان، دکتر سید محمدرضا حسینی بهشتی، دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی، استاد سید محمدعلی مدرس مطهری و دکتر شهاب‌الدین شیخ‌بهایی، تنها نمونه‌هایی از فرهیختگان این خاندان طی نیم قرن اخیر هستند.

هم‌پای مردان، ده‌ها بانوی فرهیخته نیز در خاندان صدر حضور داشته و دارند که از صد و پنجاه سال گذشته تا امروز، در عرصه‌های علم، ادب و اجتماع، خدمات شایانی را به جامعه و مردم ارائه کردند و می‌کنند. خانم‌ها سیده زهرا بیگم موسوی عاملی، میرزا جویباره‌ای، سیده بدرالشریعه خاتون‌آبادی، فخرالسادات ابطحی، سیده بنت‌الهدی صدر، سیده رباب صدر، سیده حنان صدر، دکتر منیژه مهدوی، صدیقه اژه‌ای، دکتر سیده پروانه سادات، دکتر ملوک‌السادات حسینی بهشتی، دکتر زهرا پیش‌گاهی‌فرد، دکتر فاطمه سادات صدرعاملی، دکتر سیده مهتاب صدرعاملی، دکتر سیده میترا صدرعاملی، دکتر نسرين سادات روضاتی، سیده حورا صدر، دکتر شهرزاد آقاجنقی‌زاده و ملیحه سادات صدر، نمونه‌هایی از این نام‌آوران هستند.

۲- طرح پژوهشی «مشاهیر خاندان صدر»

براستی مشاهیر خاندان صدر، اعم از مردان و زنان، چه کسانی هستند؟ کی، کجا و چگونه، زندگی کردند و می‌کنند؟ چه تحولی در اطراف، محیط و جامعه‌ی خود ایجاد نمودند؟ کدام آثار ماندگار را بر جای نهادند؟ با سرسلسله‌ی این خاندان و با یکدیگر، ارتباطشان چگونه است؟ با دیگر خاندان‌ها و بیوت مهم شیعه، پیوندشان چگونه است؟ چه شد که توانستند در زندگی خود چنین موفقیت‌هایی را کسب کنند؟ جامعه برای باز تولید آنها چه باید بکند؟

طرح پژوهشی «مشاهیر خاندان صدر» تلاش دارد تا برخی سؤال‌های فوق را مستقیماً پاسخ گوید؛ برای مابقی سؤال‌ها نیز تلاش دارد تا بخشی از اطلاعات اولیه‌ی مورد نیاز محققین را جهت انجام تحقیق برای یافتن پاسخ آنها فراهم آورد. این تلاش‌ها در دو محور مستقل، مکمل و موازی هم انجام می‌شود:

اول / نگارش شرح حال‌هایی فنی و تفصیلی از مشاهیر تراز اول و دوم خاندان صدر؛
دوم / تدوین نسب‌نامه‌ی خاندان صدر و نگارش شرح حال‌هایی اجمالی از دیگر فرهیختگان و بزرگان این خاندان.
استخراج نسب‌نامه‌ی یک خاندان، مستلزم استخراج نسب‌نامه‌های فرزندان سرسلسله‌ی آن خاندان و چیدن آنها کنار یکدیگر است. آیت الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی پنج فرزند پسر و شش فرزند دختر از خود به یادگار گذاشت.^{۵۶}

- ۱- آیت الله آقا مجتهد (متوفای سال ۱۲۳۷ ش، ۱۲۷۴ ق^{۵۷})
- ۲- آیت الله سید ابو جعفر خادم الشریعه (متوفای سال ۱۲۸۵ ش، ۱۳۲۴ ق^{۵۸})
- ۳- آیت الله سید ابوالحسن صدر عاملی معروف به «مستجاب الدعواتی» (متوفای حدود سال ۱۲۷۵ ش/ ۱۳۱۴ ق^{۵۹})
- ۴- حجت الاسلام سید حسین صدر عاملی (متوفای حدود سال ۱۲۹۲ ش/ ۱۳۳۱ ق^{۶۰})
- ۵- آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر (متوفای سال ۱۲۹۸ ش/ ۱۳۳۸ ق^{۶۱})
- ۶- بانو سیده فاطمه بیگم (اول) موسوی عاملی
- ۷- بانو سیده زهرا بیگم موسوی عاملی
- ۸- بانو سیده حبیبه بیگم موسوی عاملی
- ۹- بانو سیده زمزم بیگم موسوی عاملی

۱۰- بانو سیده فاطمه بیگم (ثانی) موسوی عاملی

۱۱- بانو سیده مریم بیگم موسوی عاملی

مجتهدین زیر به ترتیب همسران شش بانوی بزرگوار اخیر بودند^{۶۲}: آیات معظم شیخ عبدالهادی قاضی (متوفای حدود سال ۱۲۳۵ش/۱۲۷۳ق^{۶۳})، ملا محمد صالح مازندرانی (متوفای سال ۱۲۴۷ش/۱۲۸۵ق^{۶۴})، میرزا محمد هاشم چهارسوقی (متوفای سال ۱۲۷۹ش/۱۳۱۸ق^{۶۵})، شیخ محمدباقر نجفی اصفهانی مسجدشاهی (متوفای سال ۱۲۶۹ش/۱۳۰۱ق^{۶۶})، میر محمدتقی خاتون آبادی (متوفای سال ۱۲۷۰ش/۱۳۰۸ق^{۶۷}) و شیخ محسن مری دزفولی (متوفای حدود سال ۱۲۰۸ش/۱۲۴۵ق^{۶۸}).

روزنامه‌ای طرح پژوهشی «مشاهیر خاندان صدر» از این قرار است: دفتر اول این مجموعه به شرح حال‌های تفصیلی و هم از مشاهیر تراز اول و دوم این خاندان اختصاص دارد که ایرانی بودند یا در ایران تاریخی دارند. دفاتر دوم و سوم به ترتیب نسب‌نامه‌های خاندان‌های آقا مجتهد و آقا سید ابوجعفر خادم‌الشریعه را ارائه می‌کند. دفتر چهارم به نسب‌نامه‌های دو خاندان آقا سید ابوالحسن و آقا سید حسین صدر عاملی اختصاص دارد. دفتر پنجم به نسب‌نامه‌ی خاندان آقا سید اسماعیل صدر می‌پردازد. نسب‌نامه‌ی خاندان آقا سید محمدعلی موسوی عاملی، برادر آقا سید صدرالدین موسوی عاملی، نیز در این دفتر ارائه می‌شود. دفتر ششم این مجموعه به نسب‌نامه‌ی خاندان بانو سیده فاطمه بیگم (اول) موسوی عاملی اختصاص دارد. دفتر هفتم به نسب‌نامه‌های دو خاندان بانو سیده زهرا بیگم و سیده فاطمه بیگم (ثانی) موسوی عاملی می‌پردازد. دفاتر هشتم و نهم به ترتیب نسب‌نامه‌های خاندان‌های بانو سیده حبیبیه بیگم و سیده زمزم بیگم موسوی عاملی را ارائه می‌کنند. دفتر دهم به نسب‌نامه‌ی خاندان بانو سیده مریم بیگم موسوی عاملی اختصاص دارد. دفتر یازدهم تداوم دفتر اول است. دفتر دوازدهم به شرح حال‌های تفصیلی دیگر مشاهیر تراز اول و دوم خاندان صدر می‌پردازد که در عراق یا لبنان زندگی کردند و در ایران تاریخی نداشتند. دفتر سیزدهم انشاءالله به شرح حال اجداد خاندان صدر می‌پردازد و دوران معاصر را به عصر امام موسی کاظم (ع) پیوند می‌زند. دفتر چهاردهم چکیده‌ی نسب‌نامه‌ی خاندان صدر را تجمیع می‌کند. دفاتر پانزدهم و شانزدهم گلچینی از مهم‌ترین برگ‌های تاریخ شفاهی این طرح پژوهشی را ارائه خواهد کرد. دفتر هفدهم به اسناد گردآوری شده در این مطالعات اختصاص خواهد داشت و دفتر هجدهم به تجمیع چکیده‌ی شرح حال‌های مشاهیر خاندان صدر.

سبب تقدم یافتن محور نسب‌نامه از دفتر دوم به بعد، استفاده‌ی حداکثری از تاریخ

شفاهی اعقاب مُعَمَّر خاندان صدر بود که امکان دسترسی به خاطرات سال‌های بسیار دور گذشته را فراهم می‌سازد.

همچنین با توجه به مشکلات فنی کار تدوین نسب‌نامه و ضرورت مراجعه‌ی به تاریخ شفاهی، این محور از مطالعات لاجرم به شاخه‌های ایرانی خاندان صدر محدود ماند. امید آن‌که در آینده، صاحبان ذوق و همتی این محور از مطالعات را در عراق و لبنان تکمیل کنند.

۳- علم انساب و سنت نسب‌نامه‌نویسی

نسب‌نامه، شجره‌نامه یا تبارنامه‌ی یک انسان، فهرستی است از اسامی پدر، مادر، اجداد، همسر و فرزندان او. نسب‌شناسی یا علم انساب، در چندین رشته از علوم انسانی کاربرد دارد. از جمله رشته‌های دانشگاهی که به نسب‌شناسی نیاز دارند، می‌توان تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ژنتیک را نام برد. تاریخ چیزی نیست جز رابطه‌ی میان حکومت‌ها، دودمان‌ها، ملل‌ها، تیره‌ها، طوایف، ایلات، قبایل و در یک کلام، رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر. اگر نسب، هویت، خصلت انسان‌ها و نیز رابطه‌ی نسبی و سببی آنها با یکدیگر آشکار باشد، تجزیه و تحلیل چگونگی تعامل آنها با یکدیگر، همچنین تجزیه تحلیل وقایع تاریخی که آنها بازیگران آن هستند، تسهیل و سبب خواهد شد.

در میان علوم حوزوی نیز فقه، حدیث و رجال، با علم انساب رابطه‌ی نزدیک دارند. بخش مهمی از فقه بر احادیث و روایات متکی است. تجزیه و تحلیل صحیح یک حدیث و روایت، هم مستلزم بررسی اصالت متن و صلاحیت راویان آن و هم مراجعه به علم رجال است؛ هم بسیاری اوقات مستلزم مراجعه به تاریخ، جهت فهم دقیق شرایط زمانی، مکانی و دیگر جزئیات واقعه‌ای است که صدور آن حدیث و روایت را باعث گردید. روایاتی که نسب و هویت آنها جعلی یا حتی مجهول باشد، بدیهی است که حدیث و روایت منقول از آنها، مخدوش یا لااقل غیر قابل اعتماد خواهد بود. لذا علم انساب تجزیه و تحلیل احادیث و روایاتی را که مبنای فقه است، تسهیل و تدقیق می‌کند.

از همان ابتدای ظهور اسلام، مسلمانان و خصوصاً شیعیان، به علم انساب توجه خاصی نشان دادند. بالأخص برای گروهی از مردم که ذریه‌ی پیامبر اکرم (ص) بودند، اهمیت، ارزش و احترام ویژه‌ای قائل می‌شدند. اولاد و احفاد ذکور امام علی (ع) و حضرت

فاطمه (ع) که سادات نام گرفتند، حرمت و جایگاهی فوق‌العاده یافتند. فقه شیعه حتی برای سادات برخی احکام خاص را وضع کرد. گروهی از دانشمندان همان قرون اولیه‌ی اسلام همت کرده و ضبط اسامی سادات و شرح حال چهره‌های برجسته‌ی آنها را آغاز نمودند. هشام بن محمد بن صائب کوفی (متوفای سال ۲۰۶ ق) معروف به «ابوالمنذر کلبی شیعی» از اصحاب خاص امام صادق (ع) اولین دانشمند شیعی بود که در باب علم انساب دست به تألیف زد و کتاب‌ها و رساله‌های متعددی را به رشته‌ی تحریر در آورد.^{۶۹} ابوالحسن یحیی (متوفای سال ۲۷۷ ق) معروف به «عُبَیدَلِی عقیقی» دانشمندی دیگر از اصحاب برخی امامان بزرگوار متأخر بود که چند دهه بعد کتاب «نسب آل ابی طالب» را در خصوص اولاد و احفاد جناب ابوطالب تألیف کرد.^{۷۰} در عهد دوازدهمین خلیفه‌ی عباسی، مستعین بالله (متوفای سال ۲۵۲ ق)، «آئین نقابت» برپا و مقبول گردید افراد برگزیده‌ای که «نقیب» نامیده می‌شدند، در هر منطقه‌ای از مناطق اسلامی امور سادات را پیگیری کنند، حقوق آنها را ادا نمایند، اسامی نوزادان و متوفیان آنها را ثبت کنند و در جهت حفظ نسب خاندان آنها اقدام نمایند. آئین نقابت تا قرن‌ها پس از انقراض خلافت عباسی ادامه یافت.^{۷۱}

حرمت و جایگاه ممتاز سادات در جامع شیعی، حتی تا روزگار ما که بیش از ۱۵ قرن با رحلت پیامبر اکرم (ص) فاصله دارد، بلاغی در وحدت محفوظ مانده است.^{۷۲} طی قرن‌هایی که گذشت، صدها کتاب و رساله در خصوص انساب تبارهای مختلف سادات و شرح حال برخی چهره‌های برجسته‌ی آنها نگاشته شد.^{۷۳} در میان این کتاب‌ها، رساله‌ها، آثار بسیار ارزشمندی به چشم می‌خورد که توسط بعضی فقهاء و حتی مراجع بزرگ شیعه نگاشته شد. در همین روزگار ما، آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (متوفای سال ۱۳۶۹ ش)^{۷۴} از مراجع معروفی بود که افزون بر شهرتش در علوم متعارف فقه و اصناف مهارتش در علم انساب نیز شهرت یافت. وی ضمن احیاء و بازنشر ده‌ها کتب مرجع و مهم پیشینیان در حوزه‌ی انساب سادات و ضمن حاشیه‌نویسی بر برخی از آنها، خود نیز کتاب مهم و چند جلدی «مشجرات آل رسول‌الله الاکرم (ص)» یا «مشجرات الهاشمیین» را در این حوزه تألیف کرد.^{۷۵} مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی (متوفای سال ۱۳۹۱ ش)^{۷۶} یکی دیگر از فقیهان روزگار ما است که در حوزه‌ی انساب سادات گام‌های مهمی برداشت و از جمله کتاب «جامع الانساب» را تألیف کرد.^{۷۷} آیات عظام سید حسین طباطبایی بروجردی (متوفای

۱۳۴۰ش^{۷۸}) و سید موسی شبیری زنجانى (متولد سال ۱۳۰۶ش^{۷۹}) نیز از دیگر مراجع بزرگ روزگار ما هستند که برای علم انساب اهمیت خاصی قائل شدند. در تشریح اهتمام مرحوم بروجردی به سنت نسب‌نامه‌نویسی همین بس که ایشان با مشاهده‌ی سستی گروهی از سادات در این امر، طی نامه‌ای به مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن عالم نجف‌آبادی (متوفای سال ۱۳۸۴ق^{۸۰}) مؤلف کتاب «فضیله السیاده و فضائل السادات» درمندانۀ چنین نگاشت^{۸۱}:

«نمی‌دانم چه بدبختی است که در این عصر دامنگیر سادات شده، مطلبی را که این مقدار دارای اهمیت است، امروزه حفظ آن را علاوه بر این‌که اهمیت نمی‌دهند، از برای خود تنگ و عار حساب می‌کنند. آه آه آه، چقدر سادات از وظایف خود غافل شده‌اند و موجبات افتخار خود را از دست می‌دهند. از خداوند عزم شده مسألت می‌کنیم که عامه‌ی مسلمانان خصوصاً سادات و منتسبان به پیشوای اکرم (ص) را از این خواب گران‌رهایی بخشد، تا با وظایفی که تقریباً مه‌توان گفت از واجبات یا مستحبات مؤکده است، آشنا شوند و موجبات افتخار خود را بر دست ندهند»

آنچه تا کنون آمد، گزارشی اجمالی از اهتمام عالمان بزرگ شیعه به ثبت و ضبط انساب عموم سادات بود. گروهی از عالمان اما از منظر تخصصی‌تر به قضیه نگریستند و بر ثبت و ضبط انساب خاندان‌های بزرگ علمی و روحانی شیعه دست گماردند. از جمله‌ی این بزرگان، آیت‌الله میر محمدصادق (اول) مدرس خاتون‌آبادی (متوفای سال ۱۲۷۳ق^{۸۲}) و فرزندش آیت‌الله میر محمدحسین خاتون‌آبادی معروف به نایب‌الصدر (متوفای سال ۱۳۲۶ق^{۸۳}) است که هر دو، آثار ارزشمندی را در معرفی نسب‌نامه‌ی خاندان خاتون‌آبادی تألیف کردند^{۸۴}. یکی دیگر از این بزرگان آیت‌الله العظمی سید عبدالحسین شرف‌الدین است که با تألیف کتاب مهم «بغیه الراغبین فی احوال آل شرف‌الدین»، نسب‌نامه‌ی خاندان شرف‌الدین را تحقیق، ثبت و حفظ کرد^{۸۵}. آیت‌الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی نیز با نگارش کتاب «انساب خاندان آیت‌الله بروجردی» نسب‌نامه‌ی شاخه‌ی بروجرد خاندان طباطبایی را تحقیق، ثبت و حفظ نمود^{۸۶}. همزمان با ایشان، آیت‌الله علامه سید محمدحسین طباطبایی (متوفای سال ۱۳۶۰ش^{۸۷}) نیز با نگارش کتاب «نسب‌نامه‌ی خاندان طباطبایی (اولاد امیر سراج‌الدین عبد‌الوهاب)»، نسب‌نامه‌ی شاخه‌ی تبریز خاندان طباطبایی را تحقیق، ثبت و حفظ کرد^{۸۸}. در

همین حال آیت الله سید محمدعلی روضاتی نیز با تألیف کتاب مهم «زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی»، نسب‌نامه‌ی خاندان روضاتی را تحقیق، ثبت و حفظ نمود^{۸۹}. کار ثبت و ضبط نسب‌نامه‌های خاندان‌های بزرگ علمی و روحانی البته محدود به سادات نبود. علامه شیخ محمدباقر الفت اصفهانی (متوفای سال ۱۳۴۳ ش^{۹۰}) از جمله عالمانی غیر سید بود که با تألیف کتاب مهم «نسب‌نامه‌ی الفت»، انساب خاندان نجفی اصفهانی مسجدشاهی را تحقیق، ثبت و حفظ نمود^{۹۱}.

۴- نسب‌نامه‌ی خاندان صدر

نسب‌نامه‌ی خاندان صدر، نسب‌نامه‌ی گروهی از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است که طی قرون ۱۳، ۱۴ و ۱۵ هجری قمری، در سه سرزمین لبنان، عراق و ایران زندگی کردند. خواننده‌ای که نسب‌نامه‌ی این خاندان را ورق می‌زند و شرح حال مختصر مردان و بانوان برجسته‌ی آن را مطالعه می‌کند، گروهی از فرزندان پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را مشاهده می‌کند که هزاره‌دویست سال پس از درگذشت آن بزرگواران، با الهام از آموزه‌های آنها، با سلامت نفس، پکی، اخلاق و فداکاری زندگی کردند و در عرصه‌های دین و علم و اجتماع، خدمات شایانی را به مردم عرضه نمودند.

نسب‌نامه‌ی خاندان صدر، بخش‌هایی از نقش‌های جغرافیای انسانی شهرهای اصفهان، قم، نجف، کربلا، کاظمین و بلکه کل عالم تشیع طی سه قرن اخیر است که پیوندهای نسبی و سببی گروهی از انسان‌ها، بیوت و خانواده‌های نقش‌آفرین روزگار خود را به تصویر کشانده است. نگاه به این نقشه، تحلیل مناسبات انسانی و تحولات اجتماعی «روزگاران را بی‌شک تسهیل و حتی تدقیق خواهد کرد.

نسب‌نامه‌ی خاندان صدر همچنین نقشه‌ی «راه»ی است که بخشی از اطلاعات مورد نیاز پژوهشگران را جهت تجزیه و تحلیل شخصیت فکری، اخلاقی و سیره‌ی عملی مشاهیر این خاندان فراهم می‌آورد. قانون دوم نیوتون می‌گوید که جهت و شتاب حرکت یک ذره‌ی مادی، تابع برآیند کلیه‌ی نیروهای وارده بر آن است. اگر در فرآیند برآورد نیروها نیرویی از قلم بیفتد، برآیند نیروها درست محاسبه نخواهد شد و لاجرم تخمین جهت و شتاب حرکت ذره‌ی مادی به خطا خواهد رفت. انسان نیز وضعیتی مشابه ذره‌ی مادی دارد. وراثت و تربیت خانوادگی، دو قلم

مهم از مجموعه‌ی نیروهای وارده بر انسان هستند که برآیند آنها جهت و شتاب حرکت او را در تحولات زندگی نشان می‌دهد. ژن‌هایی که از طریق وراثت به انسان منتقل می‌شوند، نوع و شدت تمایلات، گرایش‌ها و کشش‌های روحی او را متأثر می‌سازند. تمایلات، گرایش‌ها و کشش‌های روحی انسان، نیت، انگیزه، شور، اراده، همت و فرآیند تصمیم‌سازی او را در طول زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهند. تربیت خانوادگی و مختصات خانواده‌ای نیز که انسان در آن رشد می‌یابد، از عوامل مهم تأثیرگذار بر اخلاق، شخصیت و رفتار اوست.

نسب‌نامه‌ی خاندان صدر نشان می‌دهد که مثلاً امام موسی صدر یا شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، اولاً میراث‌دار ژن‌های شخصیتی چه نوع اجدادی هستند؟ ثانیاً در کدام محیط خانوادگی و متأثر از تربیت چه نوع خویشاوندانی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی خود را گذران کرده‌اند؟ به‌شگرانی که بخواهند راجع به تاریخ، زندگی، اندیشه و شخصیت امام صدر و شهید بهشتی تحقیق کنند، تا زمانی که این دو عامل مهم وراثت و تربیت خانوادگی را در نظر نگیرند، نخواهند توانست این سؤال‌های اساسی پاسخ دهند که صدر و بهشتی چرا و چگونه صدر و بهشتی شدند؟ و جابجایی بازتولید مثل صدر و بهشتی چه تمهیداتی را باید اندیشه کند؟ نگارنده اعتقاد دارد به اجداد صدر و بهشتی اگر انسان‌های دیگری بودند، همچنین محیط و نوع تربیت خانوادگی آنها از تغییر می‌یافت، صدر و بهشتی نیز انسان‌های دیگری می‌شدند و راه‌هایی متفاوت را در زندگی طی می‌کردند.

نسب‌نامه‌ی خاندان صدر بخشی از نقشه‌ی راه اصحاب و احفاد خوش‌ذوق و هوشیار روزگار کنونی این خاندان است که دغدغه‌ی بسیج و استفاده‌ی بهینه از ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نهفته در آن را بر دل دارند. اعقاب اصحاب این روزگار خاندان صدر بر اساس این نقشه‌ی راه به راحتی می‌توانند، موقعیت و چگونگی پیش‌خود با دیگر بستگان نسبی را در یابند، توصیه‌ی اکید اسلام در خصوص افزایش صله‌ی رحم را عملی سازند و با تقویت دوستی‌ها و صمیمیت‌ها، انسجام و اتحاد خاندان را رقم بزنند. دنیای فردا دنیای کم‌رنگ شدن قدرت دولت‌ها و افزایش نقش‌آفرینی سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی و فراملیتی است. یک خاندان گسترده و نیرومند که در سراسر جهان فرزندان فعال، موفق و تأثیرگذار دارد، ظرفیت‌های آشکار و غیر آشکار فراوانی دارد که اگر منسجم و متحد باشد، می‌تواند در بهبود حیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انسان‌ها به خدمت در آورد.

و بالاخره آن که نسب‌نامه‌ی خاندان صدر چراغی است در دل تاریکی شب، که با سوسوی پیوسته‌ی خود، اهمیت، شکوه و زیبایی پاک زیستن، سلامت نفس داشتن، بر اصول و ارزش‌های اخلاقی پایدار بودن، برای بهروزی انسان‌ها گذشت و فداکاری کردن و تلاش بی‌وقفه در راه فراگیری و گسترش علم می‌دول داشتن را، به جوانان امروز و فردای این خاندان یادآوری می‌کند. جوانان این خاندان، وقتی خود را میراث‌دار والدین و اجدادی می‌یابند که هر کدام عمری پرچم‌دار علم، اخلاق، جهاد و فداکاری بوده‌اند و لذا محبوب قلوب مردم، بی‌شک تشویق می‌شوند، انگیزه و بلکه احساس مسئولیت می‌یابند که خود نیز چنین زندگی کنند؛ حتی الامکان راه پر افتخار نیاکان را ادامه دهند و در هر صورت مسیر مخالف را طی نکنند.

۵- شرح حال مخزن آقا مجتهد^{۹۲}

آیت‌الله سید محمدعلی موسوی عاملی (۱۲۳۹ - ۱۲۷۴ق^{۹۳}) معروف به «آقا مجتهد» اولین پسر آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی بود که خاندان و اعقابی از خود به یادگار گذاشت. مادرش بانو «جان‌خان خاتون» فرزند آیت‌الله العظمی شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بود^{۹۴}. آقا مجتهد در برادر بزرگ‌تر از خود نیز داشت که آقا سید محمدتقی و آقا سید علی نام داشتند^{۹۵}. این دو برادر اموال اجداد و زمین‌های هجده سالگی بواسطه‌ی بیماری فوت شدند و فرزندی به یادگار نگذاشتند^{۹۶}.

آقا مجتهد در اصفهان به دنیا آمد^{۹۷} و در حوزة علمیة قم و نجف و مشهد خواند^{۹۸}. مهم‌ترین اساتیدش در مقطع خارج فقه و اصول، پدر^{۹۹} و همچنین آیت‌الله العظمی سید محمدباقر شفتی بیدآبادی^{۱۰۰} معروف به «سید حجت الاسلام» (بررسی سال ۱۲۶۰ق^{۱۰۱}) بودند. برخورداری از این دو استاد توانمند و قدر، وی را از ادامه‌ی تحصیل در قم، نجف، کربلا و کاظمین بی‌نیاز کرد.

فرزندان آقا سید صدرالدین موسوی عاملی، همگی به داشتن استعداد فوق‌العاده، حافظه‌ی قوی و همچنین به برخورداری از تقوی، سلامت نفس و اخلاق معروف بودند. در میان این فرزندان، آقا مجتهد به لحاظ استعداد، برترین، و بعد از کوچک‌ترین برادرش آیت‌الله العظمی سید اسماعیل صدر، اعلم^{۱۰۲} آنها بود. استعداد آقا مجتهد را، درست مانند پدر، از جنس نبوغ^{۱۰۳} و بی‌نظیر خوانده‌اند، نه کم‌نظیر.

آقا مجتهد در سن دوازده سالگی رساله‌ای را در فقه تألیف کرد که «البلاغ المبین فی احکام الصبیان و المجانین» نام داشت^{۱۰۴}. گفته‌اند^{۱۰۵} که وقتی رساله‌ی مزبور در همان وقت به رویت سید حجت الاسلام رسید، نامبرده ضمن ابراز شگفتی و خوشنودی از توانمندی علمی مؤلف نوجوان در تألیف چنین رساله‌ای تصریح کرد که نویسنده مجتهد است و این تصدیق را با دست خط خود مکتوب نمود^{۱۰۶}. سید حجت الاسلام، آن روزگار رئیس علی الاطلاق حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود^{۱۰۷}. تصریح او بر اجتهاد آقا سید محمدعلی موجب شد تا وی از همان سن دوازده سالگی «آقا مجتهد» خوانده شود و به این نام شهرت یابد^{۱۰۸}. در همین حال گفته شده است^{۱۰۹} که پدر آقا مجتهد که اعلم علمای حوزه‌ی بزرگ آن روز اصفهان و در تصدیق اجتهاد سما سخت‌گیری و احتیاط فراوان مشهور بود، این فرزند خود را حتی قبل از سن دوازده سالگی مجتهد دانسته بود.

آقا مجتهد پیش از استیلاء فوق‌العاده و نیز در اثر جدیت و تلاش فراوان در امر تحصیل، خیلی زود جزو علما و مدسیه صاعقه نام حوزه‌ی علمیه‌ی شهر اصفهان شناخته شد^{۱۱۰}. وی حوزه‌ی درسی گرم و گیرایی داشت و اموری برپا کرد و کثرت علم، دقت، تعمق در مسائل و نیز حسن بیان او تعداد زیادی از فضلاء علم و اعلام^{۱۱۱} اصفهان را شیفته نمود^{۱۱۲}. یکی از این شاگردان، برادر کوچکش آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر بود^{۱۱۳}. آیت الله العظمی سید حسن صدر کاظمینی، آقا مجتهد را «علامه‌ای متبحر در کلیه علوم» نامید^{۱۱۴}. آیت الله العظمی سید عبدالحسین شرف‌الدین نیز مقام علمی وی را چنین وصف کرد^{۱۱۵}: «در بحث، تحقیق، دقت نظر و میانه‌روی در مرتبه‌ای قرار داشت که امکان فزونی یافتن بر آن نبود».

آقا مجتهد پس از درگذشت پدر در سال ۱۲۶۴ ق جلوسین ایشان شد و اغلب مسئولیت‌های اجتماعی آن بزرگوار را بر عهده گرفت^{۱۱۶}. از جمله‌ی این مسئولیت‌ها، اقامه‌ی نماز جماعت و وعظ و ارشاد مردم در مسجد «نو حاج رسولی‌ها» بود^{۱۱۷}. گفته‌اند^{۱۱۸} که پس از اتمام نماز بالای منبر می‌رفت و چنان شیوا و جذاب از اخلاق و معارف دینی برای مردم سخن می‌گفت که عموم طبقات استفاده می‌کردند. از آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر نقل شده^{۱۱۹} که برادرش آقا مجتهد مشکل‌ترین مسائل توحید و پیچیده‌ترین شبهات وارده بر آن از قبیل «شبهه‌ی ابن کمونه» و امثال آن را با بیانی چنان ساده و جذاب شرح و پاسخ می‌داد که گویی از واضح‌ترین مسائل است و نتیجتاً آحاد مردم فهم می‌کردند. استقبال مردم اصفهان از

متأثر او طوری شدت یافت که از این نظر حتی بر پدر پیشی گرفت.^{۱۲۰} اندکی نگذشت که مسجد پدر به سبب کمبود جا ناگزیر مقداری توسعه داده شد؛ هرچند باز آن گونه که گفته‌اند، حتی هنگام نماز صبح جای خالی نداشت.^{۱۲۱}

آقا مجتهد علاوه بر مقام بلند علمی و اخلاقی، در عرفان و ادبیات نیز جایگاهی بلند و بلکه کم‌نظیر داشت.^{۱۲۲} حاصل ذوق سرشار او در عرفان و ادبیات، اشعاری بسیار زیبا و «آبدار»^{۱۲۳} است که «در نهایت جودت و سلامت»^{۱۲۴} به زبان فارسی سرود. ابیات زیر، غزلی معروف به نام «بلا جواب»، از جمله سروده‌های آقا مجتهد است.^{۱۲۵}

رازی که نگفتند و نیش نام نهادند نی دم زد از آن راز و نیش نام نهادند
حاتم که با کرم و جود بگسترد چون طی شدنی بود طیش نام نهادند
کاووس ندانم بجا، فت و کی آمد زانست که کاووس کیش نام نهادند
در آینه جگر عکس رخ ساقی دیدند خیالی و می‌ش نام نهادند
دیدند دوصد نکته‌ی باران از موی وز روی مثل زلف ویش نام نهادند
عارف نتوان گفت در این افیه‌ی سنگ رازی که نگفتند و نی‌اش نام نهادند

آقا مجتهد متأسفانه خیلی زود و نابهنگام، در سن ۳۵ سالگی^{۱۲۶} دار فانی را وداع گفت. سبب مرگ او هرگز به درستی معلوم و ثبت نشده. علامه‌ی امینی وی را در کتاب «شهداء الفضیله» از عالمان شهید قرن سیزدهم هجری قمری معرفی کرد.^{۱۲۷} او اگرچه سبب مرگ آقا مجتهد را مسمومیت نگاشت^{۱۲۸}، اما به دلایل و جزئیات این مسمومیت اشاره‌ای نکرد. برخی محققان به نقل از پاره‌ای اعقاب آقا مجتهد چنین نوشتند که بهائیان عامل مسمومیت وی بوده‌اند.^{۱۲۹} والله اعلم بحقایق الامور.

آقا مجتهد ثروت مادی قابل توجهی نداشت. اما ثروت معنوی بسیار هنگفتی از راه وراثت برای فرزندان و اعقاب خویش به یادگار گذاشت. این ثروت معنوی، چون سرمایه‌ای اولیه، از بدو تولد در اختیار تک‌تک آنها قرار گرفت تا در مسیر رشد و تعالی خویش بکار گیرند. این ثروت و سرمایه، چیزی نبود جز استعداد بالا، حافظه‌ی قوی، قریحه‌ی سرودن شعر و مهم‌تر از همه، میل شدید به تقوی، اخلاق و سلامت نفس ...

۶- خاندان آقا مجتهد

آقا مجتهد پنج فرزند از خود به یادگار گذاشت^{۱۳۰}:

- ۱- علامه سید بهاءالدین صدرعاملی (متوفای سال ۱۲۸۲ش/۱۳۲۱ق^{۱۳۱})؛
 - ۲- بانو سیده ربابه بیگم صدرعاملی، همسر آیت‌الله شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی مسجدشاهی (متوفای سال ۱۲۶۹ش/۱۳۰۸ق^{۱۳۲})؛
 - ۳- بانو سیده فاطمه‌جان بیگم صدرعاملی، همسر عارف نامی شیخ محمدحسین طریحی (متوفای سال ۱۲۸۲ش/۱۳۲۱ق^{۱۳۳})؛
 - ۴- آیت‌الله سید محمدجواد صدرعاملی (متوفای ۱۳۴۷ش/۱۳۴۷ق^{۱۳۴})؛
- بانویی که همسر میرزا محمدحسن قاضی شد.

مادر سه فرزند اول بانو سیده زینب بیگم شفتی بیدآبادی، فرزند آیت‌الله العظمی سید محمدباقر شفتی بیدآبادی معروف به «سید حجت الاسلام» بود و مادر دو فرزند آخر، بانویی دیگر^{۱۳۵}. هر کدام از این پنج فرزند خانانی بزرگ و پر برکت را بنیان نهادند و اعقاب آنها امروز در شهرهای اصفهان، تهران، برخی شهرهای دیگر ایران و همچنین در اروپا، آمریکا و کانادا به تلاش، فعالیت و گذران زندگی مشغول هستند.

خاندان آقا سید بهاءالدین از طریق تنها پسرش، بانو سیده مریم بیگم صدرعاملی، امتداد پیدا کرد^{۱۳۶}. این بانوی بزرگوار به همسری آیت‌الله میر سید حسن (ثانی) مدرس مطلق (متوفای سال ۱۳۳۱ش/۱۳۷۲ق^{۱۳۷}) در آمد. حاصل این وصلت سه کل گرفتن شاخه‌ی مهمی از خاندان معروف روحانی و علمی «مدرس مطلق» در شهر اصفهان شد. البته شاخه‌ی دیگری نیز از خاندان مدرس مطلق در اصفهان، از اعقاب آقا مجتهد هست. شاخه‌ی اخیر، اعقاب آیت‌الله سید محمدباقر مدرس مطلق (متوفای سال ۱۳۴۷ش/۱۳۸۸ق^{۱۳۸})، برادر ابوبنی^{۱۳۹} آیت‌الله میر سید حسن (ثانی) مدرس مطلق است. خاندان‌های پیش‌گامی فرد و میرهادی به این شاخه از خاندان مدرس مطلق وابسته هستند^{۱۴۰}.

خاندان بانو سیده ربابه بیگم از طریق تنها پسرش، آیت‌الله شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی مسجدشاهی، و نیز از طریق دخترش بانو آغایی‌بی نجفی، امتداد پیدا کرد^{۱۴۱}. بر این اساس، شاخه‌ای مهم از خاندان معروف روحانی و علمی «نجفی» یا «مسجدشاهی» در شهر اصفهان، از اعقاب آقا مجتهد هستند. از طرفی بانو آغایی‌بی، ابتدا با حجت‌الاسلام سید

صدرالدین خادمی فرزند آیت‌الله سید ابوجعفر خادم‌الشریعه و پس از درگذشت وی با آیت‌الله سید صدرالدین صدرعاملی فرزند آیت‌الله سید محمدجواد صدرعاملی وصلت کرد^{۱۴۲}. تنها حاصل ازدواج اول او دختری به نام سیده بدرالشریعه خادمی بود که به همسری آقا سید نورالدین مقدس بیدآبادی در آمد^{۱۴۳}. بنابراین شاخه‌ای از خاندان مقدس بیدآبادی در شهر اصفهان، از اعقاب آقا مجتهد هستند.

خاندان بانو سیده فاطمه‌جان بیگم از طریق تنها پسرش، آقا شیخ نجم‌الدین طریحی، امتداد پیدا کرد^{۱۴۴}. لذا خاندان طریحی در شهر اصفهان و نیز برخی خاندان‌های وابسته به آنها، خصوصاً شاخه‌هایی از سادات رضوی^{۱۴۵} و نیز خاندان اقطار^{۱۴۶}، از اعقاب آقا مجتهد هستند. خاندان آقا سید محمدجواد از طریق دو پسرش آیات‌الله سید صدرالدین صدرعاملی و سید ابوالقاسم عاملی موسوی و همچنین از طریق سه دخترش بانوان سیده بیگم‌آغا صدرعاملی، سیده زهرا بیگم صدرعاملی و سیده نازنین بیگم صدرعاملی، امتداد پیدا کرد^{۱۴۷}. مادر این پنج فرزند، شترماش، بانو سیده آغابیگم خاتون‌آبادی فرزند آیت‌الله میر محمدتقی خاتون‌آبادی حسین‌آبادی، بیگم^{۱۴۸} همسران دختران اول و دوم، به ترتیب آیات‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی^{۱۴۹} و میر ابوالفضل^{۱۵۰} خاتون‌آبادی بودند. آقا میر محمدصادق و آقا میرابوالفضل، برادر یکدیگر و فرزند آیت‌الله میر محمدحسین خاتون‌آبادی معروف به نایب‌الصدر بودند^{۱۵۱}. نایب‌الصدر برادر آقا میر محمدتقی بود^{۱۵۲}. لذا شاخه‌هایی از خاندان خاتون‌آبادی اصفهان، از اعقاب آقا مجتهد هستند. همسر دختر سوم آقا سید محمدجواد، آقا محمد (ضیاء‌العلماء) نظامی بود^{۱۵۳}. به همین سبب شاخه‌هایی از خاندان نظامی در شهر اصفهان، از اعقاب آقا مجتهد هستند.

خاندان آقا مجتهد نه تنها با خاندان‌های مدرس مطلق، نجف، مسجدشاهی، مقدس بیدآبادی، طریحی، خاتون‌آبادی و نظامی، که با برخی خاندان‌های بزرگ و مهم دیگر شهر اصفهان نیز پیوندهای خانوادگی برپا کرد. مهم‌ترین این خاندان‌ها از قرار زیر هستند:

خاندان کلباسی: شیخ نجم‌الدین طریحی، فرزند بانو سیده فاطمه‌جان بیگم صدرعاملی، بانو قمرآغا کلباسی فرزند حجت‌الاسلام محمدحسام‌الدین کلباسی فرزند آیت‌الله شیخ عبدالرحیم کلباسی را به همسری پذیرفت^{۱۵۴}.

خاندان روضاتی: بانو مرضیه سادات خاتون‌آبادی، فرزند آیت‌الله میر محمدصادق

مدرس خاتون آبادی، همسر آیت الله سید اسدالله روضاتی شد.^{۱۵۵} همچنین بانو بهجت سادات روضاتی، فرزند آیت الله سید اسدالله روضاتی، همسر پسر عمویش آقا سید عبدالعلی روضاتی فرزند آیت الله سید حبیب الله روضاتی شد.^{۱۵۶} برخی خاندان های وابسته به آیت الله سید اسدالله روضاتی، از جمله بخش هایی از خاندان های شیخ بهایی، بهرامی و مشکات زاده، نیز از اعقاب آقا مجتهد هستند.^{۱۵۷}

خاندان حسینی بهشتی: بانو سیده معصومه بیگم خاتون آبادی، فرزند آیت الله میر محمدصادق مدرس خاتون آبادی، همسر آیت الله سید فضل الله حسینی بهشتی فرزند آیت الله سید محمد هاشم حسینی بهشتی شد.^{۱۵۸} همچنین بانو حشمت سادات روضاتی، فرزند آیت الله سید اسدالله روضاتی، همسر آقا سید محمود بهشتی فرزند آیت الله سید محمد هاشم حسینی بهشتی شد.^{۱۵۹}

خاندان ابطحی سدهی: بانو سیده خانم شریعت خاتون آبادی، فرزند آیت الله میر محمدصادق مدرس خاتون آبادی، همسر آیت الله سید محمد ابطحی سدهی شد.^{۱۶۰} برخی خاندان های وابسته به آیت الله سید محمد ابطحی سدهی از جمله بخش هایی از خاندان های سلطان العلماء، فاطمی خوراسگانی و سحابی، نیز از اعقاب آقا مجتهد هستند.^{۱۶۱}

خاندان اژه ای: بانو سیده بدرالشریف خاتون آبادی، فرزند آقا میر محمدصادق مدرس خاتون آبادی، همسر آیت الله میرزا جلال الدین اژه ای شد.^{۱۶۲} از طرفی بانو بتول سادات خاتون آبادی، فرزند آیت الله میر ابوالفضل خاتون آبادی، همسر آیت الله میرزا فضل الله اژه ای شد.^{۱۶۳} همچنین بانو سیده اشرف الحاجیه ابطحی، فرزند آیت الله سید محمد ابطحی سدهی، همسر آیت الله میرزا علی محمد اژه ای شد.^{۱۶۴} آقا میرزا فضل الله و آقا میرزا علی محمد، برادر یکدیگر و فرزندان آیت الله میرزا محمد حسین اژه ای، برادر آقا میرزا جلال الدین بودند.^{۱۶۵}

خاندان سهل آبادی: بانو سیده ربابه خاتون آبادی، فرزند آیت الله میر ابوالفضل خاتون آبادی، همسر آقا سید رضا سهل آبادی شد.^{۱۶۶}

خاندان قاضی عسگر: بانو سیده مریم آغا خاتون آبادی، فرزند آیت الله میر ابوالفضل خاتون آبادی، همسر آقا سید جمال الدین قاضی عسگر فرزند سید حسن قاضی عسگر فرزند سید نعمت الله قاضی عسگر شد.^{۱۶۷} شد.^{۱۶۸}

خاندان رجال: حاجج اسلام سید جلال الدین و سید جمال الدین مدرس مطلق، فرزندان

بانو سیده مریم بیگم صدرعاملی فرزند علامه سید بهاءالدین صدرعاملی، به ترتیب بانوان مه‌ری رجال^{۱۶۹} و فاطمه رجال^{۱۷۰}، فرزندان میرزا حسین رجال فرزند میرزا محمدباقر رجال را به همسری پذیرفتند.

۷- درون‌مایه‌ی دفتر حاضر و ساختار آن

درون‌مایه‌ی دفتر حاضر، نسب‌نامه‌ی کامل خاندان آقا مجتهد است. این نسب‌نامه در قالب ۵۹ نمودار شجره‌نامه چنان تنظیم شده است که دو هدف مهم را محقق سازد. هدف اول، معرفی فرزندان، نوادگان، احفاد و در یک کلام اعقاب آقا مجتهد، و نمایش چگونگی پیوند نسبی آنها با خاندان دیگر است. هدف دوم، به تصویر کشاندن پیوندهای سببی است که بیوت مهم شیعه را با خاندان حاضر مرتبط کرده است.

در اغلب نمودارها، جلوی اسامی برخی افراد شماره‌ای درج شده است. در بخش یادداشت‌ها، ذیل آن شماره، شرح حال مختصری راجع به فرد صاحب شماره ارائه گردیده است. اعقاب خاندان آقا مجتهد تا جایی که نگارنده اطلاع حاصل کرده است، عموماً انسان‌هایی متدین، پاک و سلیم‌النفس بودند. اما این همه، تحقیق درباره‌ی شرح حال همه‌ی این عزیزان امری غیر ممکن بود. لذا به ناچار راه‌گزیده‌ی انتخابی اختیار شد. تنها، مردان و بانوانی شرح حالشان در این دفتر درج شد، که در یکی از عرصه‌های دین، علم، فرهنگ، اجتماع و خاندان صدر، از برجستگان بوده‌اند. از آنجایی که شرح حال تفصیلی بسیاری از اول و دوم خاندان صدر در دفاتر پیشین مجموعه‌ی حاضر ارائه شده است، از تکرار شرح حال آنها در دفتر حاضر خودداری گردید. جلوی اسامی این افراد، به شماره‌ی دفتری که شرح حال آنها در آن آمده، ارجاع داده شد. شیوه‌ی اختصارنویسی، اگرچه بر تمامی یادداشت‌های دفتر حاضر حاکم است، اما در مورد بزرگانی که از اعقاب خاندان صدر نیستند، جز در چند مورد انگشت‌شمار، بیشتر رعایت گردید. کلیه‌ی اعقاب معاصر آقا مجتهد که تحصیلات برجسته‌ی حوزوی یا دانشگاهی (در مقطع دکتری) دارند، سعی شده است به اجمال معرفی شوند. عزیزانی نیز که در تهیه‌ی این نسب‌نامه همکاری کردند، به رسم قدردانی، به اجمال معرفی شدند.

ساختار دفتر حاضر از هفت بخش تشکیل شده است:

اول / «مقدمات»، که مقدمه‌ی نگارنده بر دفتر حاضر و دو مبحث جداگانه در باب

«نقد و بررسی منابع و مآخذ» و «سلسله نسب خاندان صدر» را در بر دارد.

دوم / «نسب‌نامه‌ها»، که طی آن تعداد ۵۹ نمودار شجره‌نامه در معرفی «اجداد و فرزندان سید صدرالدین موسوی عاملی» و سپس اعقاب «خاندان آقا مجتهد» ارائه شده است. در انتهای بخش دوم فصلی تحت عنوان «منابع و مراجع نسب‌نامه» ارائه شده که طی آن مهم‌ترین مآخذ هر یک از چگونگی ۵۹ نمودار دفتر حاضر با ذکر نشانی دقیق معرفی شده است.

سوم / «یادداشت‌ها»، که طی در آن با ثبت ۲۷۶ یادداشت گروهی از مردان و زنان نام برده شده در نمودارهای نسب‌نامه معرفی شده‌اند.

چهارم / «راهنمای جست‌وجو»، که طی آن سه فهرست راهنمای موضوعی، بر اساس ترتیب حروف الفبا، جست‌وجوی سریع خاندان‌ها، یادداشت‌ها و اعقاب خاندان آقا مجتهد ارائه شده است.

پنجم / «پیوست‌ها»، که طی آن و به ترتیب، پاره‌ای نامه‌های بعضی اعقاب خاندان آقا مجتهد به نگارنده، و نیز سلسله نسب برخی خاندان‌های وابسته به این خاندان ارائه شده است. ششم / «تصاویر»، که در این قسمت چهره‌ی برخی اعقاب خاندان آقا مجتهد، برخی دامادهای این خاندان و نیز بعضی بزرگان وابسته به آن ارائه شده است. تصاویر مزار پاره‌ای از اعقاب خاندان آقا مجتهد، همچنین تصاویر برخی اسناد نیز در این بخش ارائه شده است.

هفتم / «نمایه‌ها»، که دو پاره‌ی مهم را در بر دارد: کتاب‌نامه، که شناسنامه‌ی کامل منابع مکتوب تحقیق حاضر را گرد آورده است؛ گفتگو‌نامه، که اسامی کامل تعداد ۹۰ منبع تاریخ شفاهی تحقیق حاضر را ذکر کرده است. در جلوی نام هر گفتگو‌شونده، شماره‌ی نموداری که موقعیت نسبی وی را در خاندان آقا مجتهد نشان داده، یا توضیحاتی راجع به نسب وی، آورده شده است.

درون‌مایه‌ی دفتر حاضر، شامل بخش‌ها، فصل‌ها، نمودارها، یادداشت‌ها و دیگر مباحث قبل و بعد از آن، تماماً اصیل و دست اول است. کلیه‌ی نمودارها و همچنین تمامی یادداشت‌ها، بر اساس تحقیق در منابع مکتوب و تاریخ شفاهی، پس از تطبیق داده‌های موجود با یکدیگر، ترسیم، نگارش و نهایی شدند. هر نامی به نموداری اضافه گردید و هر جمله‌ای به یادداشتی افزوده شد، بی‌استثنا مستند بوده و نشانی کامل سند در پی‌نوشت مربوط ارائه شده

است. مبالغه نیست اگر گفته شود، در سراسر دفتر حاضر، حتی کلمه‌ای، بدون مأخذ نوشته نشد. همچنین هیچ جزئی از اجزاء دفتر حاضر، با ارجاع یا بدون آن، از جایی «کپی چسب»^{۱۷۱} نشد و هزاران هزار سپاس خداوند متان را، که چنین هنری از عهده‌ی نگارنده خارج است!!!

۸- ملاحظات فنی نسب‌نامه‌ی خاندان آقا مجتهد

در تنظیم نسب‌نامه‌ی خاندان آقا مجتهد پاره‌ای ملاحظات فنی مد نظر بوده است:

الف) هر نمودار شجره‌نامه، به فردی از اعقاب آقا مجتهد تعلق دارد. نام صاحب نمودار، داخل کادری متمایز که خط ضخیم دارد، مشخص شده است. در هر نمودار، تمامی راه‌های اتصال صاحب نمودار به سرسلسله‌ی خاندان صدر، نام دیگر اجداد مشهور صاحب نمودار، و نیز اسامی سره‌ی فرزندان او «تا زمستان سال ۱۳۹۳ ش»، ذکر شده است. اجداد صاحب نمودار، تا عصر آقا سید صدرالدین موسوی عاملی ذکر شده‌اند. در صورتی که تعداد اعقاب صاحب نمودار، بزرگ بوده‌اند، اسامی جملگی آنها در همان نمودار شجره‌ی وی درج شده است. در غیر این صورت، صاحب هر یک از فرزندان وی، با درج شماره‌ای جلوی نام فرزند، به نموداری دیگر ارجاع داده شده است. بنابراین به جز نمودار شماره‌ی ۱، تمامی نمودارها به یک یا چند نمودار پیشین وابسته هستند. شماره‌ی یک یا چند نموداری که هر نمودار ادامه‌ی آنها است، در زیرنویس همان نمودار درج شده است.

ب) نه تنها اعقاب ذکور، که همه‌ی اعقاب آنها مجتهد، اعم از مردان و بانوان، که تعدادشان تنها در این دفتر «تا زمستان سال ۱۳۹۳ ش» بالغ بر ۱۰۰ تن است، در نسب‌نامه معرفی شدند. بانوان به این سبب، خلاف سنت رایج نسب‌نامه‌نویسی کشورمان، هم‌پای مردان در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفتند، که اولاً فرزندان، فرزند است و دختر و دختر نمی‌شناسند! دو عامل توریت و تربیت، فرزند دختر را نیز مانند فرزند پسر، متأثر می‌سازد. ثانیاً بسیاری از مشاهیر خاندان صدر از میان بانوان برخاستند؛ ثالثاً کثیری از مشاهیر خاندان صدر بواسطه‌ی مادر، مادر بزرگ یا جدی مادری، به این خاندان متصل هستند. حذف نام بانوان، حذف نام بسیاری از مشاهیر خاندان را در پی خواهد داشت.

ج) به منظور رعایت اختصار، جز در مواقع ضرورت، از درج اسامی عروس‌ها و دامادها در متن نسب‌نامه اجتناب گردید. مواردی ضرورت، تلقی شد که عروس‌ها و دامادها،

خود از اعقاب خاندان صدر بوده‌اند یا واسطه‌ای پیوند سببی خاندان صدر به بیوت مهم شیعه شده‌اند یا خود از برجستگان دینی، علمی، فرهنگی و اجتماعی به شمار آمده‌اند. البته در پاره‌ای موارد معدود، برخی عروس و دامادها که در تهیه‌ی این نسب‌نامه متحمل زحمت شدند، نام‌شان به رسم قدردانی درج گردید. در مواردی انگشت‌شمار نیز، پاره‌ای عزیزان بنابر توصیه‌ی اعقاب کنونی آقا مجتهد، نام‌شان در متن نسب‌نامه درج شد. ملاحظه‌ی اخیر، هم در نمودارهای شجره‌نامه و هم در یادداشت‌ها، رعایت گردید.

د) برخی اعقاب آقا مجتهد، هم پدر و هم مادر آنها، هر دو از اعقاب خاندان صدر هستند. جهت اجتناب از تکرار، اسامی این عزیزان تنها در نمودار مربوط به پدر درج گردید. در نمودار پدر، اسم همسر نیز درج و تمامی راه‌های اتصال فرزندان آنها به سرسلسله‌ی خاندان صدر ترسیم شده است. در نمودار مربوط به مادر و ذیل نام ایشان، خواننده با شماره‌ای به نمودار همسر، یا به شماری دفتری که نمودار همسر در آن آمده، ارجاع داده شده است. به عنوان مثال، در نمودار شماره‌ی ۴ که به شجره‌نامه‌ی شخص آقا مجتهد مربوط است، شجره‌ی دو تن از دختران ایشان، بانو سیده بانو سلطان‌بیگم صدرعاملی همسر آیت‌الله شیخ محمدحسین نجفی مسجدشاهی باستانی دیگر که نامش کشف نشد و همسر میرزا محمدحسن قاضی بود، به ترتیب به دفاتر شماره‌ی ۹ و ۶ ارجاع داده شدند. یا در نمودار شماره‌ی ۲۰ که به شجره‌ی آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی مربوط است، شجره‌ی دختر ایشان بانو دکتر ملوک‌السادات حسینی بهشتی به نمودار شماره‌ی ۳۰ ارجاع داده شد که به همسر ایشان حجت‌الاسلام دکتر جواد اژه‌ای مربوط است.

و) هنگام ترسیم نمودارهای شجره‌نامه، تقدم و تأخیر سنی افراد مورد توجه نبوده است. نمودارها طوری تنظیم شده‌اند که حتی الامکان ساده، منظم و متقارن به چشم آید. تأمین این ویژگی هندسی، مانع از آن بود که چیدمان اسامی فرزندان بر اساس ترتیب سنی صورت پذیرد.

۹- تشکر و قدردانی

تهیه‌ی دفتر حاضر نیز مانند هر کتاب و دفتر دیگر، بدون مساعدت پاره‌ای اساتید، دوستان و عزیزان، امکان‌پذیر نبوده است. چه در مرحله‌ی استخراج شجره‌نامه‌ها، چه در مرحله‌ی نگارش یادداشت‌ها، چه در مرحله‌ی جمع‌آوری تصاویر، چه در مرحله‌ی بازبینی

مطالب و چه حتی در مرحله‌ی چاپ و انتشار ...

قبل از هر چیز باید خداوند متان را شکر کنم که عمر و توفیق داد تا این دفتر را به پایان ببرم. اغراق نکردم اگر بگویم در تمام مدتی که بر نگارش این دفتر متمرکز بودم، خوشنودی پرودگار و عنایت او را بر انجام صحیح این مهم حس کردم. مواردی پیش آمد که از یافتن برخی شاخه‌های خاندان آقا مجتهد کاملاً در مانده شده بودم و احدی از اعقاب محترم معاصر این خاندان اطلاعی در دست نداشت. درست در لحظاتی که راه ادامهی تحقیق را مسدود می‌دیدم، ناگهان اتفاقی پیش‌بینی نشده رخ می‌داد و مثلاً ایمیل یا پیشنهادی از عزیزی دریافت می‌شد و قفل یک بزه «من حیث لایحتسب» باز می‌شد.

در مریه‌ی بعد و قبل از دیگر عزیزان، باید از آیت‌الله حاج سید مرتضی مستجابی، بزرگ امروز خاندان، یاد در ایران تشکر کنم که پشتیبان، پشتوانه و مشوق اصلی نگارنده در انجام این تحقیق بودند. حمایت‌های معنوی و پیوسته‌ی این عالم ربانی و براستی کم‌نظیر، دل‌گرمی‌ها و راهنمایی‌های سیر مهم ایشان در تمامی مراحل تحقیق، همواره بسیار مؤثر، راهگشا و الهام‌بخش بود. باور این مرد بزرگ بر ضرورت استخراج نسب‌نامه‌ی خاندان صدر و اهتمام ایشان بر انجام دقیق این مهم چنان بود که در سنین بالای نود سالگی بخشی از بار تحقیق را خود بزرگوارانه بر دوش گرفتند. بارها با نگارنده تماس گرفتند و فهرستی از اسامی عموزادگان خود را تلفنی املا فرمودند. از درس‌های مهم این بزرگوار به نگارنده، رعایت اعتدال در نگارش شرح حال افراد و اجتناب از مبالغه‌گری بود ...

از آقای دکتر سید محمدعلی صدرعاملی باید به همه‌ی وجه تشکر کنم که در قدم به قدم این تحقیق، نگارنده را تشویق و راهنمایی کردند. این دندان رشک‌خاذاق و پیش‌کسوت کشورمان و این محقق بزرگوار که خود طی سالیان دراز راجع به نسب‌نامه‌ی خاندان صدر تحقیقات مفصلی انجام داده بودند، حاصل این پژوهش را بزرگوارانه و بدون هیچ چشم‌داشتی در قالب دو فایل اکسل در اختیار نگارنده گذاشتند که بارها و بارها در گشودن گره‌های کوری که بالا بدان اشاره کردم، بسیار مفید واقع شد ...

اعضاء محترم خانواده‌ی امام موسی صدر، خصوصاً بانوی بزرگوار خانم سیده حورا صدر، آقایان مهدی فیروزان، سید صدرالدین صدر و همچنین جناب آقای دکتر سید صادق طباطبایی، در تمامی مراحل تحقیق، پشتیبان و مشوق جدی نگارنده بودند که از این عزیزان

صمیمانه تشکر می‌کنم.

از آقایان استاد سید محمدعلی مدرس مطلق، استاد سید محمدصادق روضاتی، دکتر محمدعلی اژه‌ای، آیت‌الله سید احمد مدرس‌زاده، دکتر سید محمدرضا حسینی بهشتی، دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی، استاد سید ابوالقاسم رضوی، استاد سید محمد مهدی امینی و نیز بانوان بزرگوار حاجیه‌خانم بهجت سادات روضاتی، حاجیه زهره خانم اژه‌ای، دکتر ملوک‌السادات حسینی بهشتی، دکتر زهرا پیش‌گاهی‌فرد، حاجیه صدیقه خانم اژه‌ای، حاجیه خانم فاطمه سادات مدرس‌زاده و بانو محبوبه سادات حسینی بهشتی باید صمیمانه تشکر کنم که ضمن تشویق پیوسته‌ی نگارنده، با نهایت دلسوزی و دقت و گشاده‌رویی، طی ده‌ها گفتگوی شفاهی و مکتوب، او را راهنمایی کردند، پرسش‌های بی‌شمارش را پاسخ دادند، و اسناد و تصاویر ارزشمندی را برای او ارسال نمودند.

از آیت‌الله حاج‌آقا رضا مختاری رئیس محترم و اندیشمند مؤسسه‌ی «کتاب‌شناسی شیعه» باید متواضعانه تشکر کنم که در تمامی مراحل تحقیق مشوق و راهنمای نگارنده بود و با ارسال یا معرفی کتاب‌ها و اسناد بسیار مفید و همچنین با معرفی افراد محقق، صاحب‌نظر و کلیدی، راه را برای نگارنده هموار کرد.

از آیت‌الله شیخ هادی نجفی اصفهانی و پسرانش که باید تشکر کنم که هر دو مجلد کتاب خطی و بسیار ارزشمند «نسب‌نامه‌ی الفت» را سخاوتمندانه در اختیار نگارنده گذاشت و در دفعات مختلف پرسش‌های فراوان وی را پاسخ گفت.

از حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان و از همکاران عزیز و فاضل ایشان استاد علیرضا اباذری نیز باید یاد کنم که با برپایی کتاب‌خانه‌ی تخصصی «تاریخ اسلام و ایران» در شهر ماقم، تمامی کتب مورد نیاز نگارنده در حوزه‌ی تراجم و انساب را تأمین کردند.

چند تن از جوانان براستی رعنا و پرومند خاندان آقا مجتهد، در طول تحقیق، نگارنده را با تهیه و ارسال انواع تصاویر و نیز در بازبینی شجره‌نامه‌ها و در تکمیل یادداشت‌ها بسیاری یاری و شرمندگی کردند. آقایان مهندس سید فرید لقمانی، مهندس عادل بهرامی، مهندس سید محمد مهدی موسوی، سید مصطفی رضوی و مجید مظاهری در رأس این عزیزان هستند که از آنها صمیمانه تشکر می‌کنم.

از فرزندان عزیز و نور چشم آقا حامد و نیز از دوست بسیار بزرگوارم آقای مهندس پیمان

امین‌پور باید از صمیم قلب تشکر کنم که در طول تحقیق، نگارنده را در یافتن و تهیه‌ی کتاب‌ها و تصاویر مورد نیاز بسیار یاری کردند. هرگز زحمات آقای امین‌پور را فراموش نخواهم کرد که در تابستان سال ۱۳۹۳ش با چه مشقتی و در حال روزه، ساعت‌ها تکایای سیدالعراقین و مادر شاهزاده را واقع در قبرستان تخت فولاد شهر اصفهان مورد جست‌وجو قرار داد تا نهایتاً مزار بزرگانی متعدد از جمله بانو سیده بیگم‌آغا صدرعاملی مادر بزرگ شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی را پیدا نمود.

و بالاخره آن‌که از سروران معظم آقایان آیت‌الله سید مرتضی مستجابی، آیت‌الله سید احمد مدرسی‌زاده و دکتر سید محمدرضا حسینی بهشتی باید با همه‌ی وجود تشکر کنم که براساس نگارنده را مفتخر ساختند و با نگارش تقریظ‌هایی پرمهر بر این دفتر، اصالت، اهمیت و نیز صمیمیت آن را الزام ساختند.^{۱۷۲}

نگارنده اایل است در خاتمه‌ی این مقدمه با تواضع خاطر نشان سازد که در تحقیق، تتبع، موشکافی و دقت، زحمات نگارش دفتر حاضر، اندک مسامحه‌ای را بر خود روا ندید. با این همه خطا از خصوصیات تکنیکی نگارنده انسان است. بر دفتر حاضر نیز بی‌شک نقدهایی وارد است. تلاش نگارنده آن بود که در تدوین سب‌نامه‌ی خاندان آقا مجتهد و نیز در نگارش یادداشت‌ها، ملاحظات و قواعد مذکور را به‌طور یکنواخت اعمال شود. پاره‌ای موارد معدود اما پیش آمد که برخی دلایل عاطفی مانع از حفظ این وحدت رویه شد. همچنین کاملاً محتمل است که برخی مردان و بانوان برخاسته از اعقاب آقا مجتهد، اعم از قدما یا معاصرین، در بخش یادداشت‌ها از قلم افتاده باشند یا حق مطالب درباره‌ی آنها به درستی ادا نشده باشد. نگارنده صمیمانه تقاضا دارد تا دوستان، خوانندگان و علاقه‌مندان دانش‌دوست، اولاً وی را بابت نواقص و نارسایی‌های احتمالی با لطف کامل و عفو شامل‌الحواس مورد بخشش قرار دهند؛ ثانیاً اگر در مندرجات دفتر خطا یا موردی خلاف واقع دیدند، از تذکر و یادآوری مضایقه نکنند و نگارنده را برای رفع این نقائص در ویرایش‌های آتی یاری دهند.

والسلام.

محسن کمالیان - قم مقدس

یک‌شنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۳ش مقارن ۲۳ محرم ۱۴۳۶ق